نقش اخوان المسلمین در انقلاب ۲۰۱۱ مصر 
در پرتو رابطه ساختار - کارگزار

جلیل دارا
استادیار علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس (تهران-مدرس)

مصطفی کرمی
دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان

تصویر

چکیده

تروحالات سال ۲۰۱۱ م در مصر به منجر به سرگوشه زریم حاکم و آغاز دوره‌ای جدید
در نظام سیاسی ان کشور شد به عنوان یک انقلاب دارای دلایل وقوع، بسترها، نتیجه،
پیامدها و کارگزارانی است. این نوشته در صدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که
اخوان المسلمین به عنوان یک ترویج سیاسی و اجتماعی چه تأثیری در پیش‌برد انقلاب
مصر داشته‌است. در پاسخ به این پرسش این فرضیه ارائه می‌شود که اخوان با اتخاذ
ایدئولوژی اسلامی و سازماندهی سیاسی و اجتماعی در طی دوران فعالیت با موضوعی
برآمده از سنت اسلامی و برخی هنرجویانه مدرن به عنوان پست‌های فرهنگی و اجتماعی
موجود در تحولات انقلاب ۲۰۱۱ مصر نقش مؤثری داشته است. برای آزمون این فرضیه
از مفهوم رابطه ساختار - کارگزار استفاده شده است که در ان اخوان المسلمین به عنوان
کارگزار و فرهنگ جامعه مصر به عنوان ساختار و بستر کشت، مورد توجه قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: اخوان المسلمین، انقلاب مصر، کارگزار، ساختار، فرهنگ اسلامی،
فرهنگ مدرن.

1. jaliledara@gmail.com.
2. karami1975@gmail.com
مقدمه

1. revolutions.
آنها که در پیتروزی انقلاب‌ها مؤثر است و نقش پیامدهای سیاسی آن، چه از نظر داخلی و چه
بین المللی، این تحقیق در سند است به نقش و جایگاه یکی از پرتره‌های سیاسی
در مصر، بعنی اخوان المسلمین، بپردازد. این تحقیق در سه بخش سازمان‌دهی شده است:
بخش اول به ارائه تعریفی از انقلاب و انقلاب مصر در مسال 2011 می‌پردازد؛ در بخش
دوم، حیات سیاسی و اجتماعی و افکار و اندیشه‌ها و رویه‌های عمل اخوان المسلمین مورد
بررسی قرار می‌گیرد؛ سرانجام به بخش سوم می‌پردازد اخوان در روند انقلاب مصر
- به عنوان کارگزار و - فرهنگ جامعه مصر - به عنوان ساختار - می‌پردازد. این پژوهش از
نظر زمانی به مقطع فعالیت‌های این جنبش از پیتروزی انقلاب 25 زانویه 2011 اشکاله دارد
و به حوادث پس از آن نمی‌پردازد.

چارچوب نظری

انقلاب‌ها به عنوان پیچیده‌ترین پدیده‌ای اجتماعی حاکی از ابعاد مختلفی هستند. از این رو،
در مطالعات مربوط به انقلاب‌ها، تعاریف مختلفی از این مفهوم با گذشتگی متفاوت به
ابعاد گوناگون این پدیده سیاسی-اجتماعی ارائه شده است. از نظر هانتینگتون انقلاب
یک دگرگونی داخلی سریع، اساسی و خشونت‌آمیز در ارزش‌ها و اسطوره‌های غالب
جامعه، نهادهای سیاسی، ساخت اجتماعی، رهبری، فعالیت و سیاست‌های حکومت است
(هانتینگتون، 1970: 216). از منظر کارگزار، نقش شرکت کننده در حمله جمعی
انقلاب را می‌توان به طور کلی به دو گروه رهبران و پیروان تقسیم کرد. رهبران کسانی
هستند که در سطوح مختلف جنبش نقش تشکیل‌کننده، آگاهی دهنده، سازمان‌دهی، بسیج،
تأمین منابع، جهت دادن و ایجاد و حفظ بین مردم را ایفا می‌کنند (پناهی، 1389، 75).
این رهبران گاه به صورت یک شخص و زمانی به صورت یک سازمان و تشكیلات ظاهر
می‌شوند و کاربردهای سازمان‌دهی و بسیج را صورت می‌دهند و پیروان شکل افرادی از
جامعه می‌شوند که تحت بسیج سیاسی و اجتماعی قرار گرفته و جهت مشارکت در فرآیند
و روش‌های انقلاب با کنش‌گرایان فعال تبدیل می‌شوند (کینگ، 1385، 14).
1. Samuel P. Huntington.
در بررسی انقلاب‌ها و ابعاد و عوامل مختلف آنها از نظرهای مختلف استفاده می‌شود.

نظره ساختار-کارگزاری یکی از نظره‌هایی است که به بیان فاکتورهای انقلاب و نفس کارگزاران و ساختار بهبودی با تأکید بر ساختار فرهنگی می‌پردازد. چنانکه اریک سلی‌بن، بیان می‌کند: "ارزش سیاست اصلی، نگاهی جمعی و بستر اجتماعی به سیاست یک همگی ساخته‌ها و عیماً داوطلبانه هستند. برای درک و بررسی فراگرفته‌های انقلابی از اهمیت محوری برخوردارند. از اینرو، در رخداد یک انقلاب آنچه مهم به‌نظر می‌رسد این است که: هن ساختارها و بعضاً از قطعات گستردگی تاریخ، بلها ایده‌ها و بازیگران هستند که

نیروهای اصلی در فراگرفته‌های انقلابی به‌شمار می‌روند. انقلاب‌ها مخلوطاتی بشر هستند و نه فردیانهای طبیعی و اجتماعی نابی‌ای. بنابراین، این نه بر صرف ساختارها، بلکه بر مردم، نه برCDC‌های بی‌پنگ، بلکه بر انتخاب‌های و نه بر گذاری‌های صرف بلکه بر دگرگونی جامعه تمرکز کنیم." (سلی‌بن، 1387: ۱۲۰). جان فورن در این خصوص می‌گوید: "فعالیت‌های فرهنگی، جهت گیری‌ها، نظامهای معنی‌سازی و چشم‌اندازهای اجتماعی در ساختن انقلاب تأثیر دارند. آرمان‌گرایی، نظامهای از اندازه‌ها نیستند، بلکه فرآیندی اجتماعی است که شامل "کش‌گران معینی" می‌شود که بیش از "باورهای سیاسی آگاهانه" به "نظمهای فرهنگی گستردگی تئوری متقن هستند (فورن، 1390: ۲۷۱). در این مبانی تحلیلی "فرهنگ به‌نهایی کارآمد نیست، توانایی انقلابیون و به‌ویژه رهبران انقلابی در فراهم کردن زمینه‌ای که در آن سنتی‌ها فرهنگی متجزی شود یا بازسازی گردد، شابان اهمیت است" (سلی‌بن، 1390: ۱۶۴-۱۷۳) به‌عبارتی، ضروری است در بررسی انقلاب‌ها، هم نقش کارگزاران انقلاب (عمل و ایدئولوژی آنها) و هم ساختار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی با هم مورد توجه قرار گیرد.

بستر منای نگا فوق دو محور اصلی منجر به انقلاب عبارتند از: ۱. نقش‌های کارگزاری یا عاملان و ۲. جایگاه و اهمیت ساختارها. "کارگزاری"، یعنی تویانی کنشگر برای کنش آگاهانه از طریق تلاش برای ریشد به اهداف خود، که در دیدگاه‌های اختراعات است. بنابراین،

2. Eric Selbin.
3. Symbolic Politics.
4. John Foran.
کنش نتیجه تفکر آگاهانه بازیگر است. ساختار نیز به معنای سه و معطوف به زمینهای است که روش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جنگ‌چوب یا همان می‌گیرند (های، 1385: 160-159). از این منظر جنبش‌های انقلابی فقط می‌توانند در قالب تحلیل عامل ساختار قابل فهم باشند و این مستلزم آن است که بدانیم افراد در شرایط ساختاری متفاوت، قواعد تصمیم گیری متفاوتی را به کار می‌برند. این قواعد به نوع فهم عاملی از روایت ساختاری حالت و گذشته مربوط است. با دور نظری گرفتن این واقعیت روشی می‌شود که نقش سازمان‌های انقلابی و ایدئولوژی آنها نقش رابط بین ساختارها و عاملیت‌ها است. نتیجه این رهایی از دخالت کردن ایدئولوژی در نظره انقلاب است (پنالی، 1389: 121). بنابراین هر کنش اجتماعی در گزارش‌های ساختاری است و هر ساختاری به کنش اجتماعی نیاز دارد؛ بنابراین، عاملیت و ساختار به‌گونه‌ای ناپذیر در فعالیت روزمره در یکدیگر تنیده شده‌اند (گیبی، 1384: 19-14). بیدین ترتیب، رابطه متقابل ساختار و کارگزار، تحولات اجتماعی و سیاسی جدیدی رقم می‌زند که در آن هم ساختار و هم کارگزار نیز تحول یافته‌اند. گیبی در تیبین دیدگاه خود، «مسائله دوگانگی ساختاری» را طرح می‌کند. دوگانگی ساختاری به نحوی ارتباط کارگزار و ساختار اشیاره دارد. بر این اساس، ساختارهای اجتماعی از یک جهت واسطه و نوعی کنش‌های کارگران هستند و یا به عبارتی شرایط عمل کارگرانان را فراهم می‌کند و از طرفی نیز خودشان به وسیله همان کنش‌ها بازسازی می‌شوند. به نظر ام، جامعه‌شناسی معمولاً ساختار را نوعی ویژگی مقدامه‌ای یا تبعیض کننده جویان اجتماعی می‌داند؛ اما در واقع ساختار، چاره‌ساز نیز هست (سیدم، 1396: 148). در واقع ارائه‌های فرهنگی، هنرجویان و نمادها، ساختارهای اجتماعی سیاسی و رفتارهای فردی را شکل می‌دهند.

اینچه در بررسی تغییرات و تحولات جوامع می‌توان بداند است یک انتظار که بحوزه عمل انسان به شرایط جایگزین بستگی دارد. مسلماً اعمال انسان‌ها با محدودیت‌های خاصی مواجه است که به وسیله ساختارها ایجاد می‌شوند؛ ساختارها غالبًا طیف خاصی از امکان‌ها را مشخص می‌سازند. اما چون و چرا آنچه را که مردم انجام می‌دهند دیکته‌اند.

1. Anthony Giddens.
2. Seidmam.
نگارش نمی‌کند. تعامل شرایط ساختاری و عمل انسانی، که هیچ‌یک بدون دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد، تاریخ بشر را خلق می‌کند. گریخته‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند، انتخاب‌ها انجام می‌شود و راه‌ها ندارند می‌گردد. بررسی‌های درست و پاسخ‌های زمان‌دار آمیز نظریه‌های نهفته است. به تواناند کارگزاران و ساختارها را همراه نخواه‌ها می‌بینند. هر یک در نظر بگیرند (سلیسیو، 1387: 128). بنابراین، فرهنگ بستر و زمینه کنش جمعی را تشکیل می‌دهد. در این نگاه، فرهنگ (به نظامی از معنای، نگرش‌ها و ارزش‌ها) اشکال سمبولیک (نمايش‌ها و مصنوع‌های) مشترک اشاره‌دار که در این نظام بین و متفکری شدن‌اند. آن دسته از سمبول‌هایی که می‌توانند گذشته، حال و آینده را در یک نگرش منسجم به جهان، و در یک استدلال قابل استفاده با رنگ و یک ترتیب‌های جهانی ترتیب کند اهمیت و قدرت ویژگی‌های برخورداری. کسانی که بر مبنای قدرتنده می‌کوشند به سمبول‌هایی که موقعیت‌شان را حفظ می‌کند توسل جویند با چنین سمبول‌هایی را خلق نمایند. بررسی، کسانی که علی این حاکمیان صف‌بندی کرده‌اند به‌دبای استفاده از سمبول‌هایی مناسب (گامه اوقات مشابه سمبول‌های مورد استفاده حاکمیان) برای سرنوشت حاکمان‌ها هستند (سلیسیو، 1387: 136). بدین ترتیب، رهبران اقتضای برای برناگیختن و بسیج مردم از مفاهیم جاودانه استفاده می‌کنند. ایده‌آل‌هایی نظر عدلت، آزادی (آزادی انجمن، بیان و مذهب)، برای برخورداری از فرآیند و راه‌هایی (رهایی از ترس، گرسنگی و بدآیختی) در جهانی که بسیاری از انسان‌ها از هیچ یک از آن‌ها بهره‌مند نیستند، هنوز مفاهیم جذاب و قدرتنده محسوب می‌شوند (سلیسیو، 1387: 133-132). همچنین برای فهم پلاس تأثیر فرد و فرهنگ در وقوع یک اقتضای باید به این نکته توجه کرد: همچنان که گلدستون، نیز اشاره‌کرده است در عالم و فردی فرد به گروه مؤثر است: یکِ این‌که فرد برای دریافت کالا و خدمات ارزشمند به گروه وابسته باشد، منظور گلدستون از کالاها و خدمات ارزشمند، انواع مختلفی از نیازهای ضروری شامل ایمت، حیاتی مشترک و انواع مختلف رفاه است. دیگر این‌که اعضای گروه اطلاعاتی کافی درباره نحوه عمل اعضاً خود داشته باشند. لذا بیشتر رفع اعضاً یک گروه به نظره و هنرجویی مرتب به مشترک فعال در گروه خود را فراگرفته‌اند. به گروه مورد عزت و فوادار می‌مانند. بر این اساس، برای این‌که کنش اقتضای روي دهد، یک‌پا یا دو شرط زیر بايد محکم شود: اول، 1. Jack Goldestone.
فرد متعلق به گروهی باشد که منافع و خدمات جمعی لازم را از آن می‌گیرد و گراش قوی به آن دارد و عمل اعتراضی یا انقلابی برای همه اعضای گروه فواید مشخصی داشته باشد؛ دوم، اینکه فرد به گروهی متعلق باشد که در گذشته خدمات جمعی به فرد می‌داده است، هرچند اکنون دیگر قادر نیست آن منافع و خدمات را تأمین کند (پناهی، 1389: 310).

تحولات کشورهای عربی به منابع انقلاب

زمستان سال 2011 سرانجام یک رشته تحولات در کشورهای عربی شمای آفریقا و خاورمیانه، از جمله کشور مصر، شد که سرانجام منجر به سرنگونی رژیم‌ها از جمله رژیم مبارك در مصر گردید. فرسودگی حکومت و عدم گردش نخبگان، شخصیت بودن قدرت سرکوب سیاسی و فساد گسترده، مهمترين و بیشتره‌ها ساختار سیاسی دوران مبارك محسوب می‌شد که زمینه‌های بحران مشارکت و بحران مشروطی را فراهم می‌آورد. در این میان، بدون شک رشد سریع جمعیت و بیکاری گسترده به‌وجود در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، دستمزدهای پایین، فقر گسترده، شکاف طبقاتی عظیم، ناهنجاری‌های عمیق اجتماعی و ناکارآمدی دولت در حل مشکلات عینی مردم مهمترین عوامل عینی انقلاب مصر محسوب می‌شد (نیاکوپی، 1391: 54). با وجود چنین شرایطی نیروهای سیاسی، از جمله اخوان المسلمین که سابقه 80 سال فعالیت سیاسی و فرهنگی در جامعه مصر دارد، توانستند به‌سیاسی موفقی را شکل داده و رژیم حاکم را ساقط نمایند. در مجموع، تراکم بحران‌های کارآمدی و مشروطیت شرایط انتخاباتی به‌جریان گرفت و در جامعه مصر ایجاد نمود که تنهای متصد حرفه‌ای کوچک بود. در اصل، حوادث تونس و یک پروام‌دیه از آن در جهان عرب، اعتراضات مردمی را در مصر برانگیخت و در پی کشته شدن یک جوان مصری به‌دست پلیس، جوانان مصري از طریق صفحه‌ای اینترنتی با نام «کلنا خالد سعید» مصري‌ها را به انقلاب 25 زانویه فراخواندند (فروزینی حاتمی، 1390: ۶۲-۱۱).

اکنون نمادان تظاهرات به دعوت مجموعه جوانان ۶ اوربل بر روی فیسبوک و تحت عنوان «روز خشم» انجام گرفت. حجم و گستره تظاهرات به سببچه به دو همجنان که انتظار می‌رفت،

1. Participation crisis.
2. Legitimacy crisis.
با توجه به بیان توجهی اولیه رژیم به مطالب معارضان، به یک روز ختم نشان و به تدریج بر
دامنه و شدت آن افزوده شد. از روز ۲۸‌شعبه که به «جمعه خشم» معروف شد و برای
اولین بار با مشارکت رسمی اخوان المسلمین و محمد البرادعی انجم شد، نیروهای امتنی
و پلیس به تدریج کنزیل خود را بر قاهره و دیگر شهرهای پزشک مصر از جمله اسکاندرومیه
و سوئزر از دامنه و دانه، ارتش را برای دفاع از صدا و سیما و وزارت اطلاع‌های و
ساختن‌های دولتی وارد خیابان‌ها کرد. در سه روز نخست اعتراضات، جوانان ۶ اوریل
میدان‌دار و ساخت‌سازهای اصلی تظاهرات بوشهر. اما از روز جمعه و با بازگشت البرادعی
(رهبر انگمن ملی برای تغییر) و نیز اعلام مشارکت اخوان المسلمین در تظاهرات، دو
حریان دیگر نیز در تئور جوانان ۶ اوریل، نقش سایزمان دهنده این اعتراضات را داشتند
(نیکوپی، ۱۳۹۱: ۵۶).

در واقع می‌توان گفت، گروه‌های اسلام‌گرای از جمله اخوان المسلمین نیز از این جنبش
حماية کردند، اما پیوستن آنها در مراحل بعدی بود. به عبارتی، آنها آغازگر این جنبش
نبودند اما به خشخاشی، از آن تبدیل شدند. به‌وزن در هفته سوم فعالیت جنبش انقلابی
در مصر، جوانان اخوانی فعالیت زیادی کردند و اخیرین تلاش رژیم مبارک در دهم فوریه
برای برق‌رقاری حکومت نظامی و تخلیه‌ی میدان التحریر، با فضایه و مقاومت جوانان
اخوان المسلمین ناکام ماند (پورسعودی، ۱۳۹۰: ۱۸۷-۱۸۶).

اربعی اخوان المسلمین و تحولات مصر: نقش کازاخی

برای اینکه نقش و جایگاه جنبش‌ها و احزاب اسلام‌گرای همانند اخوان المسلمین در
انقلاب سال ۲۰۱۱ مصر مشخص شود باید به این نکته مهم توجه داشت که نقش آفرینی
اخوان در این انقلاب را نمی‌توان صرفاً با اتصال به انقلاب‌های کلاسیکی توضیح داد که
در آن نقش افراد در رهبری و بی‌پروزی انقلاب‌ها بعنوان کننده و پارز نشان داده می‌شود;
چرا که در مصر «رهبری» از جمله عوامل غالب در انقلاب ۲۸‌ژانویه بود. در واقع،
جهان انقلابی مصر به لحاظ رهبری، بیشتر به جنبش‌های جدید اجتماعی شیوه است، و
جهان‌های کلاسیکی، از جمله تفاوت جنبش‌های جدید اجتماعی و کلاسیک با قدم، نبود
رهبری اونگارد را حزب پیش‌گام در رأس جنبش است. رهبری در این جنبش‌ها صنفی
جمعیت و غیرمتعین در شخصیت خاص است و جنبش اجتماعی، پیش از آنکه حول یک فرد جمع شود، حول ایده‌ای خاص مثل برای خواهی حقوق بشر یا دموکراسی خواهی و یا یک الیهای یک با حمایت مردمی همانه باشد، شکل می‌گیرد. این وضعیت است که در انقلاب‌های مصر و تونس به‌وضعیت قابل مشاهده بود (بورسعود، 1390: 184). در اینجا و در تبیین نقش کارگزاران اخوان المسلمین ضروری است ابتدا به استدلال تاریخی دوره‌های فعالیت و کشش‌گری آنها در جامعه و سیاست مصر و ایده‌های اسلام‌گرایی این گروه به عنوان شخچخه‌ای یک عامل یا کارگزار در بستر جامعه فرهنگی و دینی اشاره شود.

1. اخوان المسلمین: اصول، افکار و اهداف

اخوان المسلمین به عنوان یک تشکیل اسلامی، در سال تأسیس فعالیت شکل گرفت و به طول 1928 توسط حسن ابنا، تنظیم شد. در واقع با تشکیل اخوان المسلمین در مصر سنگ بنای اولین جنبش اسلام گرفته شد (خواجاهوری و دیگران، 1391: 7). این اخوان در سال 1919 تأسیس اخوان زایده: جمعیت اخوان زایده مقامات سیاسی و اجتماعی مصر در مختصات سال‌های پس از جنگ جهانی اول بوده و از جمله روحانیون میان روشفکران و خواندنگان و گسترده فکر علمایی یک ایده و یک پروژه کمال آنان را به خود واگذاری و برگرفته شدن احساسات سیاسی مصریان در پی انقلاب سال 1919 بود و پس از انقلاب مصر و آزادی همگامی ایجاد کننده بخش اصلی ارضاع داخیل مصر. ولی اخوان اگر از کسی باید حاکمیت تعالیم اساسی اسلام بر زندگی اجتماعی و سیاسی مصر کمکشینده هدف دیگر آنان تحقيق یکگانگی عرب و برافکنند بود آن قدرت‌های اروپایی بود که به وطن اسلامی دست درازی کردند (عباتی، 1370: 24).

افکار و اندیشه‌های اخوان المسلمین به عنوان یک جنبش اسلامی و همچنین یک گروه سیاسی، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است؛ اگرچه بر طول زمان و با توجه به دگرگونی‌های مختلف در سیاست‌ها برای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تحولات در نهایت افکار این جنبش به چشم می‌خورد. اصول کلی حاکم بر اندیش‌های اخوان از آغاز شکل‌گیری آن عبارت از موارد ذیل بوده است: 1. حاکمیت دین: حاکمیت مطلق در امور دین و دینا منحصر به عبادت نیست، بلکه حکومت کردن و دولتی مدیری را هم دربر می‌گیرد. 2. فقدان مرزهای

1. secularism.
جغرافیایی: اسلام قابل به وجود مرسوم‌یا جغرافیایی نیست و تمایل بر اساس تابعیت خویی را قبول ندارد. از نظر اسلام همه مسلمانان یک امت واحد هستند و از اسلامی آنها یکی است. ۳. تمسک به انگیزه حکومت اسلامی: اخوان المسلمین اعتقاد دارد که خلیفه رمز وحدت اسلامی و منجر گردیده یک اصل اسلامی اهتمام ورزند. اخوان تفکر خلافت و تلاش جهت اعاده آن را در سرلوه اور خود قرار داده است. حسن انسان همچنین تأکید می کرد که حکومت باپایه تعالیم اسلام رجوع کند و آنها را در جامعه به طور مسالمت آمیز اجرای نماید و از افکار قدیم و جدید شرکی و غربی تا حدی که تعالیم اسلام منافات نداشته باشد. استفاده کند (سلطانی فرد، ۱۳۹۰: ۱۱-۹). اهداف اخوان المسلمین عمداً بر شش اصل زیر استوار بوده است:

۱. اصل علمی: تفسیر و توضیح کامل قرآن کریم با بازگشت به اسلام اصول و وسوسن غیبت گذشته تاریخی از چهارم آن و یک کرد هرچه ناخالص و دروغ و خرافات از ساحت مقدس آن.

۲. اصل عملی: متحد ساختن ملت مصر و ملت اسلامی بر پایه اصول قرآنی، بازگشت به اسلام اصول و وسوسن نسل جدید بر مبنای اصول آن تا ملت آن‌ها ملتی شود. نزدیک کردن نقطه نظرهای فرهنگی مختلف اسلامی به یکدیگر.

۳. اقتصادی: رشد ثروت ملی و حفاظت از آن از طریق بالا بردن سطح زندگی، عدالت اجتماعی، فردی و گروهی، تضمین فرصت‌های اقتصادی برای همسایگان، محدود کردن نفوذ خارجی در اقتصاد مصر، تشکیل صنایع داخلی و تشکیل اتحادیه‌های کارگری به منظور ارتقاء سطح زندگی اقتصادی و اجتماعی به حمایت کن.

۴. اجتماعی نوع دوست‌تانه: خدمات اجتماعی، تلاش برای محو بی‌سوادی بیمار و فقر و تشکیل انجام کارهای مفید، عام المنفعه و سودآور.

۵. ناشی‌الینستی و مهربستنی: آزادی دره نیل و تمامی مشورت‌های عمومی، اسلامی از چنگال خارجی، کمک به اقلیتهای اسلامی در تمامی سرزمین‌های برای آنکه حقوق از دست رفته خویش را به دست آورند، حمایت از اتحاد عرب، تلاش مستمر در راه تشکیل جامعه بین‌المللی اسلامی.
۶. انسان‌گراییه و جهانی: ترغیب به ایجاد جامعه‌ای برمبنای اصول اخلاقی - چه مادی و چه معنی - از طریق قوانین جهانی اسلام (سیدالحسینی، ۱۳۷۵: ۸۲).

۲. دگرگونی فکری و خطمشی پس از انقلاب ۱۳۵۷ و در ادامه روش سه‌روک بگونه جمال عبدالله‌ناصر در قبال اخوان‌ها، این جنبش در معیار سه‌روک شدید و خشونت‌آمیز قرار گرفت و به‌همین دلیل روزگار و روزگار را به ظهور نسبی کشاند و به‌این ترتیب به این نتیجه رسید که دولت‌های بادی به هر قومیتی حتی با خشونت ساقطش و اما اکثریت گروه بر اساس اولیه سازمان ممکن بر اصلاحات تدریجی باقی مانندند. پس از آن، بیشتری از اعضای اخوان المسلمین به خارج از کشور تبعید شدند. آن‌ها به عربستان سعودی رفتند تا کنار تأثیر ایدئولوژی خشک سعودی‌ها قرار گرفتند؛ گروه دیگری که به ترکیه و اندونزی هجرت کردند با جوامعی مواجه شدند که با وجود اکثریت مسلمان‌دار اغلب طیف گسترده‌ای از گروه‌ها و اجتماعاتی بوده که به طور مسلمتی سهیم در کشور هم زندگی می‌کرده‌اند؛ عده کمی از آنها نیز در اکثریتی غرب ساخت شده و سنتر اروپایی آزادی‌های دموکراتیک را به اثر بردن. امروزه اخوان المسلمین حاول چنین نگرش‌های متفاوتی است، اما راهبی جنبش که متعلق به نسل بی‌گذاران است، چندان برای نسل جوان که با جهان آزاد در ارتباط بوده و دل‌مشغول اصلاحات داخلی و شفته‌های حکومتی ترکیب‌های اخوان‌نیستند ( رمضان: ۱۳۹۰: ۶۶-۶۷). در واقع، در دوران اخوان المسلمین طیفی از نگرش‌ها و دیدگاه‌های گاه متضاد به چشم‌پوش اسلام و نمی‌توان آن را یک گروه کامل‌الهمگان و یکدسر تلقی کرد. بر اساس تفسیر بندید دکترجمان، اخوانی‌ها، به‌ویژه کادر رهبری آن، به‌دو جناح مخالفت کار (سنت‌گرا - عمل‌گرا) و نووگرا (مدیرینست - خردگرا) تفسیر می‌شوند. این اختلاف از یک سو میان رهبران قدیمی و کهن‌سال گروه و نویروزی جوان‌تر و تازه‌تر نبوده و از سوی دیگر ناشی‌اند از دو نگاه‌بود: یکی خواستار تداوم دیدگاه‌ها و عملکرد دهای گذشته‌بود، دیگری به ارائه تفسیری مدرن از اسلام مانندیشید و خواهان انعطاف و عمل کرایی بیشتر در رابطه با دنبای خارجی بود (نبوی، ۱۳۸۴: ۷۷). اگرچه در کنارنگه پنجم، حمایت‌البناء خطاب به اعضا چنین کرده‌که «ما به اصول و
تعالیم اسلام و به این موضوع که آنها دارای جامعیت بوده و حاوی مسائل مردم در دنیای مادی و آخره‌هستند، اعتقاد داریم. اسلام، یک ایدئولوژی و یک آنی نیایش و نیز یک وطن، یک ملت، یک مذهب، یک کشور، یک روح، یک کتاب و یک شمسیه است. روش رسیدن به این هدف، گسترش دانه‌دهوت به جهاد است. ایجاد یک دولت مذهبی، یکی از اهداف اسلامی‌های پایه‌ای اسلام می‌باشد (آفاقی و صفوی، 1365، صفحه 26). در دهه 1990 جنگ اخوان در ارائه روبیک توانست فکری و سیاسی در مواجهه با برخی پرسش‌ها پیش‌قدم گردد. مهم‌ترین این پرسش‌ها و جالش‌ها عبیرتند: انجام حق حاکمیت و سازگاری‌های اعمال حاکمیت، کیفیت مشارکت اسلام گرایان در قدرت، احکام جزایی اسلام، آزادی مذهبی و مستقل تساهل در برابر اقلیت‌های دینی و مذهبی، حقوق زنان و مسائله برابری زن و مرد، حقوق شهره‌رودند و محدودیت‌های حاکمیت در برابر حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی (مارتین، 1389: 163-170). انتشار دو یادداشت یا بانی‌های اخوان المسلمین در مارس 1994 مه‌متنی نماد تحول فکری اخوان بوت. در این یادداشت‌ها اخوان المسلمین شعار سنتی خود «قرآن قانون اساسی ماست» را به شعار «ضرورت شورای ملی پارلمان» تغییر داد. اخوان المسلمین در این بازاندیشی، بر حفظ آزادی‌های عمومی و خصوصی، تمایل مسئولیت رهبران سیاسی و رهبرانی که عمکر آنها توسط پارلمان و حق مشارکت و انتخاب زنان تأکید کرد. پارلمان مذکور، از دید اخوان از قدرت قانون‌گذاری و نظارت کامل برخوردار است، نمایندگان خواست و اراده مردم بوت و مصوبات آن لازم الاجراست (ابراهیم و دیگران، 1385، صفحه 264-265).}

این تحولات فکری اخوان المسلمین، هم زمینه بازاندیشی گستردگی فکری و سیاسی را میان اسلام گرایان منطقه‌های دوره دولت‌های اقتشادگرا و هم پذیرش و ببان این افکار و در دوره انقلاب‌های آخر عربی فراهم کرده است. نمونه این تأثیر، در افکار و عقاید حزب اسلامی «النهضه» تونس و رهبر آن راشد الغنوشي آشکار است. روزنامه و موافقت سیاسی ۲۵-۱۰۱۱ با کسب ۴۱ درصد ارائه مؤقیت بزرگی را به‌دست آورد و پیامبر بازاندیشی‌های قابل تأمین اسلام گرایان در نقش سیاسی سنتی خود می‌باشد (جووانبور و هاشمی، 1390، صفحه 97).
۳- رویه‌های عمل

اخوان المسلمین از بدیدایش به‌واسطه نوعی استراتژی تدریجی و طولانی در مراحل آغازی از حرکت خود بر اسلام گراپی اجتماعی تأکید می‌نمود. حسن البنیان بنیان‌گذار اخوان المسلمین در ساختی بنیان نموده، وظیفه ما به عنوان اخوان المسلمین آن است که برای اصلاح نفس و قلب و جانمان و انسان آن به خداوند متعلق بکوشیم و سپس جامعه‌مان را جنان سازمان دهیم که بهصورت جمعیت‌های متعددی درآید که خوبی و نیکی بر آن حاکم است و بدلی در آن راه ندارد تا آن یک دولت صالح برخیزد (پیام، ۱۳۷۵:۱۳۰).

اخوان این استراتژی را در طول پنجم سال به اجرای کرده و با ارائه خدمات اقتصادی و اجتماعی از نوع خیریه و مددرسانی اجتماعی، در پیام ناکارآمدی بوروکراتیک حکومت مصر قد علم نموده. به این معنا، اخوان نوعی ویژگی انجمنی یافت: بعنوان طبقه هسته‌های سازمان یافته در مساجد، مدارس، انجمن‌های جوانان، سازمان زنان، درمان‌گاه‌ها، تعاونی‌های کار و تیز گروه‌های ورزشی اقدام به پیش‌بینی اجتماعی در جامعه مدرن کرد. این استراتژی به تحکیم پایه‌های اجتماعی اخوان المسلمین انجامید و کمک کرد تا اسلام گراپی به بخشی از زندگی روزانه مردم مصر تبدیل شود (پیام، ۱۳۷۹:۱۰۱). آنها در تداوم این استراتژی، در طول سال‌های سال تالش کردن از ورود به سیاست‌خون‌آمیز پرهیز کنند و از این راه در جهان عرب، از سویی به وارد تا فلسطین و عراق، مقبولیت و محبوبیت بخورند. این ویژگی بس از بیرونی اقلاب اسلامی تقویت شد. دلیل این امر آن بود که اقلاب اسلامی، جنبش‌های اسلامی مخالف را تقویت کرد و به آنها امید و الهام بخشید (اسپوزیتو و پیسکاتوئی، ۱۳۸۸:۳۳۲).

راهبران اخوان المسلمین بارها بر نفی خشونت تأکید کرده‌اند: چنان که عمر تلمسان در سال ۱۹۸۲ چنین اعلام کرد: «اسلام هرزگونه سوء‌قصد و کشتی و کشتار را محکوم می‌کند و تا موقعی که مسلمان هستیم به این اصول پاییند هستیم» (آقایی و صفوی، ۱۳۶۵:۱۴۳). بعدها نیز مصطفی مشروت، مرشد عام بعید اخوان، گفت: «ما خواهان کردیم برای به دست گرفتن قدرت نیستیم؛ چرا که روش ما صلح آمیز است. ما خشن و خونریز نیستیم. ما به قانون پاییندیم و از طبقه سازمان‌های قانونی، همانند سنگی‌ها، اتحادیه‌های دانشجویی و شوراهای محلی عمل می‌کنیم» (حسینی، ۱۳۸۱:۱۷۴).
اخوان المسلمین از دهه ۱۹۸۰ به بعد دو روزیکرد اساسی را دنبال کردند. ۱. حضور در قدرت و سیاست؛ ۲. تقویت نهادها و سرزمین‌های مدنی. در واقع، به‌دبایی رؤی کار آمدن حسنی مبارک فشل‌های عملیاتی در برای سیاستی که در حال‌چشم‌گیری پایتخت و علیرغم سرکوب نیروهای رادیکال، احزاب قانونی از قزح در سال ۱۹۸۱ به دلیل حزب در سال ۱۹۸۵ افزایش یافت. نمایندگان وابسته به اخوان در مجلس همچنان که عمرانی خاطرنشان کرده بود، با اتخاذ از سیاست‌های دولت، آن را برای اجرای قانون شریعت تحت فشار قرار دادند و حتی سیاست‌های سرکوب‌گرانه زمان اثر ساده‌تر ناقد نمودند. زمانی که اخوان در اکتوبر ۱۹۹۰ تصمیم به حضور در انتخابات داده بود، رفتار خود را همچون یک سیاست‌ساز قانونی تنظیم کرد و در این زمینه با دیگر احزاب همسود. رهبران احزاب و سازمان‌های تحریم کننده انتخابات در کنفرانس مطبوعاتی مشترکی گفتند که آن‌ها در راه‌دازی که نماهای دموکراتیک چنین وسیعی‌تری جعلی خودداری خواهند کرد. به مرور صورت، شرکت در انتخابات پارلمانی مرحله مهمی از جوامع اخوان المسلمین مصر به‌شمار می‌آید؛ چرا که بهترین نشانه‌ی میانه‌روی رهبران گروه است و از مصلحت سنجان آنان و پذیرش عملی چارچوب‌ها و قواعد موجود سیاسی (حداقل گوگری سیاسی) حکایت می‌کند.

بعد دوم، توجه اخوان به‌نهادهای مدنی و انجمن‌های صنفی بود. اخوان المسلمین از هم‌انگاشت جوامع مشترک از اوایل دهه ۱۹۳۰، یکی از پرقدرت‌ترین سازمان‌های مصیری شد؛ اقتصار مختلف جامعه نظر بی‌روپرتره، دارندگان مشغله و حررفه، دانشجویان، کارگران، فروشنده‌گان کوچک و بعضی روستاییان مجذوب شدند و به عضویت آن درآمدند (دکمجان، ۱۳۷۰: ۱۵۰). این گروه که تا سال ۱۹۸۴ فقط در انجمن داشت، تا سال ۱۹۹۰ توانست تمامی سندرکاهای حریفهای بهجز انجمن‌های روزنامهنگاران را در اختیار بگیرد و در ضمینه انجمن‌های خبره‌ای وابسته به خود را گسترش دهد. مهم‌ترین پروژه در این عرصه در سپتامبر ۱۹۹۲ به‌دست آمد. در این سال انتخابات کانون وکلا صورت گرفت و هواکاران اخوان المسلمین زیر عنوان «التجار الاسلامی» بهعنوان یکی از جناح‌های اخوان شناخته شده است. ۱۴ کرسی از ۲۵ کرسی شورای مرکزی را به‌دست آوردند. با این پیروزی گویی زندگی‌های خطر برای دولت به صدا درآمد؛ چرا که این انجمن صنفی در
مشروطیت بخشی به اقدامات دولت، به‌ویژه استمرار حالت فقوعالعاده نقش مهمی داشته.
در این میان، زلزله قاهه (۱۳۹۲) رخ داد که در نتیجه، اخوان به‌سرعت امکانات خود را بسیج کرد و به‌پایی زلزله‌زدگان شرایط تا ناوتانی بهبودی دولتی در کمک به زلزله‌زدگان بیش از پیش نمایان شود. در همان زمان اخوان پلاکاردهایی با اخوان «الاسلام هو الحل» را نیز برافراشته تا حضور مقتدرانه خود را به رخ بکشید. دولت در جهت مقابله، اطلاعیهای مبنی بر اینکه این اساس قانون حالت فقوعالعاده، جمع‌آوری وجوه نقدی توزیع کالا در آرزو وارت رفاه اجتماعی یا هلال احمر ممنوع است صادر کرد. چنین مستنداتی که بار دیگر در سال ۱۳۹۴ و در جریان سیل در مسیر علیا بخش آمد (نیوی، ۱۳۸۴: ۷۳۷). در واقع روزگارهای اصلاحی اخوان برای تحقق جامعه اسلامی، فردگرایی بود. لذا معتقد بود افراد باید به‌گونه‌ای تربیت شوند که به معرفت به مبدأ و معاد، با اراده‌ای شایسته و مستحکم و بدون هیچ نوع مکر و خدعه‌ای در راه تحقق اسلام گام بردارند و آماده هر نوع فداکاری در این راه باشند. از این روز، مهمترین اقدام اخوان تبلیغ و تربیت مردم بوده است. در کتاب روزگارهای فردگرایی مرور، اخوان روزگاری اجتماعی هم به خود گرفت: قوانین جامعه که بدانست، هنگامی اجتماعی امست، باید برخمایی از شریعت و قران کریم باشد، پیدا و رفتارهای اجتماعی که به‌وسیله حکومت و قانون به نظم در می‌آید، باید هماهنگ با آداب و شریعت اسلامی باشد و حکومت و آحاد مردم در این زمینه و در مبارزه با اباهی‌گری مستندات خطری دارند (آقاجانی، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

فرهنگ جامعه مصر: نقش ساختاری
نقش عوامل ساختاری در جامعه مصر که در بستر آن نقش کارگرای اخوان المسلمین پررنگ می‌شود را در مقاله دوستخراصی، ۱۳۹۲ فرهنگ اسلامی و ۲/۱ فرهنگ فردگرایی در بررسی نمود که هر کدام ویژگی خاص خود را داشته و دربردارنده ارزش‌های فرهنگی سیاسی و اجتماعی برای گروه‌های مختلف اجتماعی هستند. در واقع مردم آنها را به‌نام‌های الگویی عمل در زندگی روزانه خود به‌کار می‌گیرند و ارزش‌های سیاسی خاص خود را در عرصه سیاسی و دولتی به‌نامی گذاشته و به تبع آن نسبت به روزگردهای مختلف از احزاب سیاسی، هم‌مرز و یا کنس بحث‌های برای خود بروز می‌دهند.
از طرفی، در مصر با دو جامعه کاملاً متمایز مواجه هستیم. این دو جامعه را می‌توان دوگانه توده نامید. گروه نخیگان مصر بین تا ۱۰ میلیون نفر تحصیل زده می‌شوند که بسبایی از آنها نخیگان اسلام گرا هستند؛ البته اسلام گرایی نخیگان مصری با اسلام سنتی توجه شاها متفاوت است. توجه که اکثریت جامعه مصر هستند، بیشتر اوقات پذیرای ارزش‌ها و هنجارهای عمومی جامعه و متأثر از قابلیت کنشگری نخیگان هستند (گروه مطالعات خارمیانه، ۱۳۹۲).

۱. فرهنگ اسلامی

بر اساس آمار موجود، حدود ۹۰ درصد جامعه مصر را مسلمانان تشکیل می‌دهند که هدف غایی و خواسته اساسی آنها، به بنیان مشاهدات عینی جامعه مسیحی، اجرای شریعت اسلامی است. آنها معتقدند اگر احکام اسلام در سایه مدیریت و حاکمیت صیحح اسلامی به اجرا درآید، مشکل میشود. ناسالمی اقتصادی و سایر مسائل منتقله جامعه مصر به تدریج حل خواهد شد (محمودیان، ۱۳۹۱: ۱۱۰). در این اسلام به عنوان عنصر بنیادین در هویت بخشی به مردم منطقه. با زندگی رویارو هم امکان هسته است. این رویکرد یکی از مؤلفه‌های هوری ده فرهنگی خاورمیانه به‌طور عمیق جامعه مسیحی است. سیاسی دانست (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۸). در این اساس، یکی از مؤلفه‌های مهم جنبش عربی منابع هوری اسلام و اسلام است. اسلام و تحرک بر مدار آن را می‌توان مانند گلیست و طرف در نظر گرفت که جنبش در متن آن سیک‌گر شده و نارضایتی را در متن خود قرار داده است. بنیان ریز و به‌صورت مجموعه‌ای منسجم به جهان ارائه می‌دهد. به همین علت، جنبش اخوان المسلمین مدعی شکل‌دهی به نظم سیاسی است که هویت آن مبنی بر اسلام بوده و در پی آن می‌توان به حل معطلات تاریخی ملت‌های عرب پرداخت (جمعه‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۴-۷۷).
کشور محسوب می‌شود؛ همچنین جریان مذهبی نوگرا را جهت "الوسته" نیز روند روبروشدن دارد؛ همچنین باید به میلیون‌ها نفر از سلفی‌های مصری که در مساجد و مدارس دینی و انجمن‌های خیبره حضور داند اشاره کرد. گسترش و ریشه‌سازی اسلام در مصر در عمق جامعه مورد شکافت و نهادهای مذهبی گرفته تا تشکیلات صنفی و شغلی باعث شده که پیگاه اجتماعی اسلام کرایان با برداشت‌های مختلف و سوئیس تسکل‌های باشد. این امر در نظرسنجی‌های پس از انقلاب مصر نیز متعلق به دسته ساخت (نیکوپیری، ۱۳۹۱: ۷۲) برای نمودن در انتسابات سندرک‌های صنفی سال ۱۹۸۴ کاندیداهای اسلام گرا هم‌مردان بیش از ۵۰ درصد آراء را به خود اختصاص داده‌اند. البته دولت با دخالت و انضباط کردن رؤسای این سندرک‌ها، در تلاش بود این سندرک‌ها را از سلطة اسلام کرایان خارج سازد. با این حال، اصلاحات این سندرک‌ها در دست نیروهای مختلف باقی ماند. اخوان نیز از این فرصت‌ها استفاده کرد و توانسته تا حدودی سیاست‌های خود را از طریق این سندرک‌ها دنبال کند (گرگو، مطالعات خاورمیانه، ۱۳۹۲).

در چنین بستر فرهنگی و علائین مذهبی است که اخوان‌المسلمین ظهور پیدا کرده و استمرار می‌یابد. در واقع، اخوان‌المسلمین از بدو پیداشی به واسطه نوعی استراتژی تدوینی و طولانی، در مراحل آغازین حركت خود بر اساس امپراتوری اجتماعی تأکید نموده‌اند. اخوان این استراتژی را در طول پنجاه سال به اجرا گذاشته و با ارائه خدمات اقتصادی و اجتماعی از نوع خیریه و مدرس‌سازی اجتماعی، در برادر ناکام‌اندی بورو کراتیک حکومت مصر قد علم نموده است. این استراتژی به تحمیل پایه‌های اجتماعی اخوان‌المسلمین انجامید و کمک کرد اسلام گرایی به خشونت از زندگی روزانه مردم تبدیل شود (باتب: به تقلید پورسیدی، ۱۸۷-۱۸۸).

بر اساس نتیجه جنبش‌های اجتماعی از جمله نظریه معروف کارل گروسکلاین، تحت عنوان "بی‌پیچیده"، که معنی است گروه‌های معارض بدون وجود سازمان‌دهی، نمی‌توانند به سبیع عمومی به وجود آورند، جنبش اخوان‌المسلمین مصر توانست از یک سو بهره‌گیری از تجربه سودمند گذشته، سازمان‌دهی اعضاء و نفوذ معنوی ـ کاری‌زمانیک در لایه‌های مختلف

1. Charles Tilly.
اقشار جامعه، و تشکیلاتی و منسجم عمل کردن، و نیز تأثیر عناصر ذهنی - عینی فوق الذکر از سویی دیگر، افزکار عمومی قسمت اعظمی از جامعه مصر را بسیج و به سمت هدف مطلوب، یعنی خلاصی از رژیم مبارك و سپس مراحل آتی خیز سوق دهد (محمودیان، ۱۳۹۱: ۱۱۱). در تحلیل پیوستگی انقلاب با خواسته‌های مذهبی جامعه مصر علاوه بر مسائل اقتصادی و معیشتی و نیز فساد و تکراری رژیم، « آمده توجه دولت‌های مصری به خواسته‌های ذهنی - مذهبی عامه مردم از جمله اجرای شریعت اسلامی، آن گونه که شایسته و با بخش جامعه دینی است، به سیطره گرفتن باورهای دینی - سیاسی مردم (نظریه بارن تنگر از صهیونیسم) و در نهایت، اصرار آن‌که حاکی‌ترد در حمایت از مسلمانان صهیونیست در حق مردم فلسطین، به‌ویژه مردم غزه، همگی این عوامل، باعث ایجاد تاریک‌تری گستره مردم مصر در کلیت اقشار آن در طول چند دهه، بود و این بار توانست با بهره‌گیری از بارتش امید به وجود آمده در جهان عرب، قدرت و بعضی‌های فروخورده خود را در میدان تحریب قاهره در زمانی ۲۰۱۱ به نمایش بگذارد» (محمودیان، ۱۳۹۱: ۱۱۰). در واقع، جامعه اخوان المسلمین، بیش از هر سازمان دیگری محور ایدئولوژیک و نهادی بنیادگرای اسلامی در محیط عربی و اسلامی بوده است. اخوان المسلمین بیش از ۵۰ سال است که با وجود سرکوب دولتی و تضادهای داخلی، بقای خود را حفظ کرده است. پیوایی لازم برای بقای اخوان المسلمین، در اساس و بینان ادیان و فرهنگ اسلامی که ویژگی روایی اغلب مصری هاست ریشه دارد (دمچیجان، ۱۳۹۸: ۱۱۷).

از این رو، با بررسی جامعه مصر می‌توان با این نتیجه رسید که بخشی عمده‌ای از جامعه این کشور پیوندهای عمیقی با مذهب دائمی و مذهب شاکلی اصلی فرهنگ و هواپیمایی را تشکیل می‌دهد. بنابراین، اجتناب ناپذیر خواهد بود که گروه‌های سیاسی و اجتماعی نظری اخوان در بستر آن رشد کند. این را به مثابه ایدئولوژی دگرگون‌ساز و ترسیم‌گر جامعه مطلوب خود بکار گیرند و از این طریق مردم را برای تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی بسیج نمایند. به عقیده دکم‌جیان از دهه ۱۳۸۰ اسلام گرانیان طرفدار حکم‌های سیاسی گام به گام، تحت رهبری اخوان المسلمین، گردیدند. این گرایش مردمی را را باز از هر زمان به نفع خود در دید و در تعبیر برخی از برخی از افراد حکم‌های پارامترهای گفته‌های عمومی ابتکار عمل را به‌دست گرفته‌اند. در حالی که رژیم و رادیکال‌ها با یکدیگر
به جنگ مشغول بودند، اخوان المسلمین و متحدان آن از طریق موضع‌های انتخاباتی و پارلمانی جشن می‌گرفتند، به طور فراوانی این نقد سیاسی خود را بسط و گسترش می‌دادند. در ضمن، در میان متفکران، روزنامه‌نگاران، سیاست‌مداران و روحانیون مصری مباهاتی جریان داشت که از مداخلات ایدئولوژیک غالب ب چارچوب وضعیت گرفتن روش‌گری عرب حکایت می‌کرد (دکمیجان، 1391: 136-137).

بخش هایی از نظرسنجی مؤسسه مکزیکی تحقیقاتی به‌ویک مقدس معترض نظرسنجی، در آوریل ۲۰۰۹ می‌تواند میزان دلیل‌گذار جامعه مصری را به ارزش‌های مذهبی نشان دهد. بر اساس این نظرسنجی، درصد مردم مصر از حکم سنگسار حمایت می‌کند و ۶۵ درصد مردم در کشور میان «مدیر»ها و «بناگرایان» طرف بناگرایان را می‌گیرند. درصد مردم با اعدام مسلمانان که از دین خارج می‌شوند موافقند. در هنرال حال، ۹۰ درصد مردمی که به آزادی مذهب اعتقاد دارند به آزادی مذهب اعتقادی، مستقل حمایت می‌کند. از ۸۰ درصد مخالف آزادی به‌ویکی بیان هستند و ۷۵ درصد با سانسور موافقند (زکریا، ۱۳۸۹: ۲۴).

۲. فرهنگ مدرن
مصقر طولانی ترین تاریخ نوسازی را در جهان عرب دارد که آغاز آن به دوره اشغال مصر به‌وسیله ناتالون بناپارت (۱۷۸۹-۱۸۰۳) بر می‌گردد. در این دوره، ارتش ملی اقدام به ایجاد یک شکل صنعتی گستردگی و نظام آموزشی نمود که تدریج تغییرات همه‌جان ظهور بورژوازی ملی، پیایش طبقه کارگر و متوسط حرفه‌ای را به‌همراه داشت. این دست اقدامات نوگرایان در دوره‌های مختلف باعث رشد یک طبقه روش‌گری متاثر از انرژی‌هایی غرب در مقابل «الزهر» شد. طی این دوره‌ها به‌ترتیب به‌ناهدا و سازمان‌هایی از جمله اتحادیه‌های کارگری، احزاب سیاسی، تعاونی‌ها، اتاق‌های بزرگی، انجمن‌های حرکت‌های جنبش‌های فمینیستی ایجاد و اتفاقاتی نظیر انشغال روزنامه‌ها و مجلات ظهور گرفتن‌های سیاسی، تأکید بر انتخابات آزاد، حقوق عامروینه، توسعه سیاسی و اقتصادی، روابط ناساپولیسم، خصوصی سازی، نهادهای مدنی، افزایش تحصیل کردنگان دانشگاهی و غیره صورت گرفت (بیگدلی، ۱۳۷۰: ۱۴۲).

۱. PEW research center.
فرهنگ مدرن در جامعه مصر نیز بخش مهمی از ساختار فرهنگی و هویتی جامعه را در بر گرفته و یا آن را احترام داده تا تأثیر قرار داده اساسد. در این خصوص نیز باید به این نکته اشاره داشت که تحولاتی که از آغاز قرن نوزدهم و قرن بیستم در جهت تحقیق فرانسیس بروسرت در این گروه صورت گرفت، تغییرات عمده‌ای را در فرهنگ بخشی از مردم به وجود آورده است. در واقع، افزایش تحصیلات، رشد اقتصادی، گسترش ارتباطات، تغییر موقعیت زنان و افزایش حضور آنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، افزایش شهرنشینی و افزایش صنعتی شدن، فرهنگ مناسب با خود را به مرحله آورده است که تا حدودی متمایز از فرهنگ عمومی و سیاسی بخشی دیگر از جامعه است. علاوه بر این، از نظر سیاسی نیز وجود حکومت‌های اقتصادی فاسد، سرکرد، ناکام‌آمدی و خشونت و ضعف در استقلال عملی در مقابل قدرت‌های خارجی، بخش مهمی از جامعه به سمت بهره‌گیری از ساختارهای کم‌هزینه‌تر و کارآمدتر و مدرس‌سالی سوق داده است.

مصر در طول یک دهه پایانی حکومت مبارک، اصلاح اقتصادی خود را آغاز کرد. در طول این سال‌ها، مبارک با تشکیل یک چهار جمال که با کشور انجام داده خود که از اصلاح طلبان بروسرتی را در کابینه این منصوب کرد تا اقتصاد مصر را از نو بسازند. آنها مالیات و تعرفه‌های گمرکی را پایین آورندند. دخالت‌های دولت در اقتصاد را کم کردند و باران‌های دولتی را کاهش دادند. بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ اقتصاد سالی درصد رشد کرد و حتی سال ۲۰۱۰ پس از بحران اقتصادی جهان، رشد ۶ درصدی را تجربه کرد. اما این روند کاملاً بر خلاف روند سیاسی مصر بود (زکریا، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۶۲)؛ به‌عبارتی اصلاحات قابل توجهی در روند سیاسی صورت نگرفته بود.

به‌هر حال، بخشی از فرانسوی بروسرت در جامعه و دولت لاجرم منجر به شکل‌گیری وضعیتی شد که تجوه‌های اجتماعی و سیاسی همان‌طوری‌که آن‌ها اخوان بی‌پایان آزادی عمل برای ارتباط فکری و تشویق‌های با جامعه برقرار نمایند؛ به‌طوری که نیویس‌دان بسیاری هستند که باور دارند پیوند مهمی میان زبان جامعه مدنی و پیشرفت‌های زبانی و اخلاقی وجود دارد. برای نمونه، در مصر از اولین دهه ۱۹۷۰، آزادسازی اقتصادی توسط دولت از راه فرانسوی انتخاب باید به محصول فرعی، ناخواسته بوده‌است. جاء در زمان ریاست جمهوری مبارک، رؤیت در آثار زورفی بر صحنه سیاسی داشته است. لذا در زمان ریاست جمهوری مبارک، رؤیت در...
جستجوی یک عمل موازنه‌گر میان فشار برای اصلاح نظام سیاسی، ایجاد کنترل گرایی و فضایی میان دولت و فرد برای شکوفایی جامعه مدنی و [زوال] ترس عمیق در درون رژیم نسبت به واگذاری قدرت سیاسی به مردم یا انجمن‌های مرتبط آنها برآمد. حتی حکومت مشروطیت کار انجمن‌های حرفه‌ای، صنف‌ها، اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های داوطلبانه را می‌پذیرد (حافظیان، 1389: 40).

در این شرایط امکان کنن‌گری اخوان المسلمین به‌مثابه یک کارگزار در استفاده از انجمن‌های حرفه‌ای برای تغییر و تحول در ساختمان اجتماعی و سیاسی رشد چشمگیری یافت. در ۹۰ میلادی، جنبش اخوان المسلمین مصیر در ارائه روزکرد نوین فکری و سیاسی در مواجهه با برخی پرسش‌ها نظر مستقیم حق حاکمیت، کیفیت مشارکت اسلام گرایان در قدرت، احکام جزایی اسلام، آزادی مذهبی و مسئله‌های در برای اقلیت‌های دینی، مذهبی و غیره به پیشقدم گردید (مارتین، 1389: ۱۶۳-۱۷۰).

می‌توان گفت با توجه به استراتژی فرهنگ اسلامی و مدرن در جامعه مسیحی و وقوع اخوان المسلمین به این محتیات جامعه مسیحی، این سازمان سیاسی و اجتماعی درصد برآمده است تا با اتخاذ روش‌های نظام در استراتژی سیاسی خود به‌طور بیشتری را در این جامعه متنوع به خود جلب کند. آن‌روست که گفته می‌شود «اگلب ناظران بر این یا برند که در بهارگری یا به تغییر دیگر بیداری اسلامی ـ دو گفتمان اسلام‌گرایی و دموکراتی اخویی» با گرایش‌های مختلف، از گفتمان حاشیه‌ای به گفتمان تحول‌ساز و تأثیرگذار تبدیل شده و بیشترین نقش را در روند سرنگونی حکومت‌های این کشورها (در اینجا مسیحی) ایفا کرده‌اند. آنها به ضریب نظام‌های استبدادی، فاسد و تکان‌دار حاکم در این جوامع برخاسته و با بهره‌گیری از دال‌های شناور، اجزاء گفتمان خود را گسترش می‌دهند تا بتوانند گرده و افراد بیشتری را به سوی خود جذب کنند و در فرآیند تغییر موقعیت گفتمانی با مخالفت کمتری مواجه شوند» (بیدان فام، ۱۳۹۰: ۵۹). نکته حاصل اهمیت در خصوص اخوان المسلمین آن است که این جریان با گذشته زمان روح‌الله خشورت آمیز را به کنار ناهد و عملاً با پراگماتیسم و مشارکت مدنی و سیاسی روح آورده است. گذشته از این، به مورز زمان توجه به موضوعی چون حقوق شهروندی، آزادی بیان، مشارکت ۱. floating signifiers.
سیاسی، دموکراتیک و حقوق اقلیت‌ها در مانیفست اخوان پررنگ تر شده است؛ به طوری که آن را تحول در این سازمان در گذر زمان نام نهادند. البته در خصوص اخوان المسلمین با این توجه داشتند که این جماعت جریان یکدستی نیست و هم اکنون حداکثر سه گروه را می‌توان در آن متمایز نمود (تیباکویی، 1391: 26).

اخوان المسلمین با توجه به تحولات و رویکردهای سیاسی خود به جنبش می‌پردازند و حتی درای ابعاد مرتباً و غیرمبال فاقد کشورهای عربی تبدیل شده است. با توجه به ویژگی‌های مردمی تحولات جاری کشورهای عربی و گرایش‌های ضد‌استبدادی آن، اخوان المسلمین سعی کردند استفک و رویکرد سیاسی خود را با روندهای دموکراتیک منطقی کنند و در واقع، به‌نسل تلقی دموکراتیک و اسلام گرایی بوده است. رویکرد مذکور از یک سو به‌جهت برآورده کردن اخوانی‌ها از پانتاسیالی‌های مردمی را برای دستیابی به بهتر از قدرت سیاسی و از سوی دیگر، افزایش مشروطیت و اعتبار داخلی و در ایالات آن راmad نظر قرار داده و هدف آن دشوار کردن هرگونه جالش‌سازی و مانع ترایس‌بازی‌گران راکب و مخالفان در مقابل این جنبش است. اخوان المسلمین که از ابتدای تأسیس بر خلافت اسلامی و سپس حکومت اسلامی تأکید داشتند، منجر به تحولات اخیر برای ایجاد حکومت عرفا و دموکراتیک متمرکز شده است. بر این اساس، اخوانی‌ها، پذیرش چارچوب‌های عرفا و دموکراتیک در عرصه سیاسی را گزینه‌ای می‌دانند. برای مدیریت تحولات و افزایش تأثیرگذاری خود در عرصه سیاسی، تلقی می‌کنند (جمعه‌زاده، 1391: 27). بنابراین، برای اخوان المسلمین از سویی حضور در انتخابات و تأکید بر اهمیت و جایگاه رأی مردم نشان‌دهنده اتخاذ رویکردهای مشروط از منظر بین‌المللی و ملی برای کشف‌گری سیاسی است. و از سوی دیگر بر این مسئله دلایل دارد که آن‌ها دارند قدرت تأثیرگذاری گسترده‌ای در جامعه مصر هستند که با اینکه آن می‌تواند به عنوان یک نبردی سیاسی برگردد به قسمی را تحت تأثیر قرار دهد.
نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، اخوان المسلمین در بستری به‌نام جامعه مصر با هویت اسلامی که قبیل به‌دست از آن را مسالمت‌بانان به‌ناهی گزینه‌های مختلف مقاومت، مدافع کار، صوفی، مدن و نوگرا، انقلابی و افرادی و غیره - تشکیل می‌دهند، فعال بوده است. مهمترین ویژگی فکری و ایدئولوژیک این جنبش اتکای آن به مبانی و اصول شریعت اسلامی است که در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی مصر با ظهور و برور دگرگاه و نگرش‌های جدید و تطبیق و تنظیم با شرایط نو نیز توان بوده است. هم‌اکنون اخوان امکان گفته‌اند همسوسی و هم‌فکری آن را با جامعه مذهبی اسلامی مصر فراهم نموده است. این به معناً افزایش قابلیت این جنبش و جمعیت در برقراری ارتباط و تعامل با افتراق مختلف، به‌ویژه مصریان مؤمن به شریعت اسلامی است و آن را به‌اشتهر جنبش و تفکر دیگری، به‌وسیله مراوی و مبلغ اندیشه‌های وارداتی شرقی و غربی یا آموزهای از آنها هستند، برای پذیرش و امکان مهم مردم در دسترس قرار می‌دهد. همین مسئله آنها را در مقایسه با ایدئولوژی‌های دیگر توانمندتر و مقبولتر یک دست پایداری طولانی مدت و گسترش فراوانی اخوان در طی هشتاد سال عمر آن با وجود سرکوب‌های شدید و محدودیت‌های فراوان، مؤید مطلب گفت شده است.

بنابراین، کنشگری اخوان المسلمین در بستر و در تعامل با جامعه‌ای صورت گرفته است که ساخته‌شده و هویت آن برگرفته از ارزش‌ها، آرمان‌ها، اسطوره‌ها، انگیزه‌ها و فضاوت‌های اخلاقی آن است. این بدبین معنی است که اخوان به عنوان یک کارگزار در تعامل با ساختار فرهنگی جامعه مصر قرار می‌گیرد. از سویی دیگر جمعیت اخوان المسلمین در قطع سازمان‌دهی فکری و عملی می‌کوشند به گونه‌ای جدید در تعامل با چنین ساختاری و با بره‌گیری از آن، نیروهای اجتماعی را برای پشتیبانی از خود به‌سیج کند و آنها را به‌نیروی سیاسی و اجتماعی نیرومندی در رعایت اهداف خود به کارگیرد. این به کارگیری و بسیج
بیروهای اجتماعی، با اهداف سیاسی و در تقابل با حکومت به عنوان کانون مخالفت ها و مهمرنگی مانع و سند تحقیق ایده‌ها و شعارهای این بیروهای سیاسی و اجتماعی صورت می‌گیرد.

علاوه بر این اخوان المسلمین با وجوه دیگر از ساختارهای فرهنگی جامعه مواجه و در تعلیم است که آن بخش مدرن و نوگرای جامعه است که حامل و حامی ارزش‌های مدرن بوده و اقتصاری مانند بخشی از تحصیل کردهان، بورونکاتها، نظامیان و غیره را در بر دارند. در واقع اخوان المسلمین بر تعلیم با گروه‌های مذهبی و اقتصاری سنتی، در تعلیم با ساختار جدید نیز قرار داشته و دارد که خود بیان‌دهای فکری و عملی ای را از عملکرد آن برچای گذشته است. این تعلیم و تبادل ایده‌ها و ارزش‌ها در بین طیف‌های مختلف جامعه که بی تأثیر گذاری و تأثیری زیادی متقابل در انطباق با شرایط جدید و ساختارهای قدمت همراه بوده، زمینه تعلیم و پذیرش اخوان را فراهم می‌کرده است. تحلیلات فکری و عملی ای که از دهه 1980 به تدریج در اخوان اتفاق افتاد و اتخاذ مویع معتدل و مبنا و در پن سال تا سه جنبه اسلامی ساختارهای فرهنگی و همانندی میان آنها. گروه‌ای این نکته است که اخوان المسلمین ضمن ارزان ایده و شیوه عمل جدیدی در صدد بوده تا چتر گفتمانی خود را بر بخشی از جامعه بگسترد و توانسته تعلیم و اعتدال قابل قبولی بین ارزش‌های نو و سنت های کهن برقرار نماید.

اخوان المسلمین در این راستا نیز شیوه‌های عمل خود را دگرگون کرده و با نفوذ و حضور در جامعه مدنی و همچنین اعتیاد کمیهای مادی و رفاهی و حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی و کمک رسانی و نیز نگران مسائل جویانه در قابلیت شرکت در انتخابات و نفوخشوند و ترویج، ضمن افایش قابلیت‌های خود، اقشار و طبقات مدرن نیز جامعه را تا حدودی به سوی خود جذب نمود. اقدامات صورت گرفته از سوی جمعیت اخوان المسلمین در دهه 1990 نشان داده‌های استغراق همزمان اعتدل، تحلول فکری و تغییر در شیوه عمل برای انطباق با شرایط جدید و قدرت تعلیم با گروه‌های مختلف اجتماعی ایست. این امر در نهایت نیز موجبات بهره‌برداری آنها را در فرآیند تحولات مصر به‌وجود در جریان تظاهرات منجر به انقلاب در سال 2011 را در فراهم آورد که
اخوان توانست با بسیج قابل توجهی از مردم و به‌ویژه جوانان به نیروی مؤثری در سقوط نظام مبارک تبدیل شود. حتی دامنه تأثیرگذاری اخوان المسلمین به این هم متوافق نشد و این جمعیت توانست در انتخابات مجلس و سپس ریاست جمهوری به پروژه‌های چشم‌گیری دست یابد. اهمیت و تأثیر گذاری اخوان را تا جایی می‌توان قابل توجه دانست که حتی بعد از کودتا عليه محمد مرسی، رئیس جمهور مورد حمایت و عضو اخوان در جولای ۲۰۱۳، تاکنون ارتش و مخالفان توانسته‌اند به مصرف محسوسی اوضاع را به‌نفع خود تغییر دهند و روش‌ن‌است که قادر به بسیج عمومی اخوان چیزی هم‌سنجی تمام مخالفان آن است. حضور گسترده‌ای مخالفان محمد مرسی و هواپیمان اخوان در خیابان‌های قاهره و دیگر شهرهای مصر، مؤید چاپگاه تأثیرگذار اخوان در جامعه مصر و به تبع آن در فضای سیاسی و اجتماعی این کشور است.
کتابنامه

آقایی، بهمن و خسرو صفی‌ی (۱۳۶۵) اخوان المسلمین، تهران: نشر رسال.

ابراهیم، محمد و دیگران (۱۳۸۵) جشن اسلامی تونس، جدید افریقی، تهران: انتشارات سازان نور.

بنائها، محمدحسین (۱۳۸۹) نظریه‌های انقلاب: وقوع، فراخور و پایان‌ها، تهران: سمت.

تیلی، چارلز (۱۳۸۹) جشن‌های اجتماعی ۱۹۷۴-۱۹۶۸، یافته‌های مشترکی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

حسینی، مختار (۱۳۸۶) برآورد استراتژی مصر، تهران: انتشارات ابرار معاصر.

دکیمجان، هربرت (۱۳۸۷) اسلام در انقلاب، جشن‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، حمید

احمدی، تهران: انتشارات کیهان، چ ۱.

سیدالحسینی، اسماعیل (۱۳۷۵) اخوان المسلمین بزرگترین جشن اسلامی معاصر، سیدهدی

حسروشاهی، تهران: اطلاعات.

غایی، حمید (۱۳۷۵) نگاه به تجربه اسلام در اسلام معاصر، تهران: انتشارات امیرکبیر.

کیمی، مری، مهناز کاندی و ماریتا لورت کانک (۱۳۸۷) قدرت مبارزه علیه از خشونت، شهرام


تیکویی، سید طاهر (۱۳۸۱) کالبدشنافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب، تهران: نشر میزان.

های، کالین (۱۳۸۵) درآمده انقلابی بر تحلیل سیاسی، احمد‌گل محمدی، تهران: نشر نی.

آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۹) انتشارات (۱۳۸۹) بیشگمان بیداری اسلامی در مصر، فصلنامه معرفت، سال نوزدهم، ش

۱۵۱ صص ۱۱۰-۱۱۹.

اسپرهی، جان آل. و جیمز پی. سیکاتوری (۱۳۸۸) از انتقاد جهان اسلام: چشم‌انداز خط مشی‌ها، در: انتقال ایران و پازل جهانی آن، (مبحث میدیرشانچی، تهران: مرکز باشنامه اسلام و ایران.

بیات، ناصر (۱۳۷۹) «مقايسه جشن‌های اسلامی در مصر و ایران»، گنگنگو، ش ۲۹، صص ۱۱۷-۱۱۸.

بیگدلی، علی (۱۳۷۹) «برخورد ناسین‌الله‌سی با اسلام در مصر»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، ش ۷، صص ۱۵۱-۱۴۰.

پورسید، فرزاد (۱۳۹۰) بررسی مقایسه‌ای انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر، فصلنامه مطالعات

راهبردی، سال چهارم، ش دوم، صص ۱۹۸-۱۵۹.

جمع‌آوری، راهله (۱۳۹۱) «وجود نرم‌افزاری جشن بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی

جهان اسلام، ش ۸۹، سال سی‌دهم.

جوانپور، عزیز و میرقاصبی بنی هاشمی (۱۳۹۰) «جشن‌های انقلابی عربی: چشم‌اندازها و جوایش‌های

دیدگاه‌های مختلف از انقلاب اسلامی در جهان عرب»، سایت دانشگاه قم، شماره ۲۶.
نوین دولت، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، ش. ۵، صص ۷۹-۱۱۱.

حافظیان، محمدرحیمی (۱۳۸۳) «جهانی شدن و مناسبات دولت - جامعه در مصر»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، ش. ۷، صص ۲۰-۲۵.

حاتمی قزوینی، سیدیاسر (۱۳۹۰) سوادمن در جهان عرب: گفتاری پیروان تحولات اخیر (۱۳۱۱)

در جهان عرب، تهران: انتشارات اميرکیمر.

خواجاهربی، غلامرضا، عباس فرهادی و ناهید قربانی (۱۳۹۱) «بیداری اسلامی و جزیرهای اسلامگرا»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دوم، ش. ۳، صص ۴۰-۴۵.

رامضان، طارق (۱۳۹۳) «اخوان المسلمین: تاریخ یک جنبش از بنیادگرایی تا مردم سالاری»، ایرج جودت، ماهنامه نداش اسلام، سال چهارم و دوازدهم، ش. ۴۴، صص ۷۹-۸۷.

زکریا، فرید (۱۳۸۹) «رهبانی انتقالب مصر»، مهربانم، ش. ۹.

سپلیس، اریک (۱۳۸۷) «نلب کارگر و فرهنگ در انتقالبها»، در: مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انتقالب‌ها، جهان گفتمان، تهران: انتشارات کوه.

سپلیس، اریک (۱۳۹۰) «انتقالب در جهان واقعی: بارنگری کارگری»، در: نظریه پدیده انتقالب، فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، ج. ۳.


محمودیان مسعود (۱۳۹۱) «نلب اخوان المسلمین»، سال چهارم، صص ۲۵-۲۶.

نیوی، عبدالعلی (۱۳۸۴) «اسلام سیاسی در مصر: گذار به حداکثری سیاسی»، فصلنامه مطالعات خارجی، سال دوازدهم، ش. ۱، صص ۸۶-۸۷.

پزدانفام، محمود (۱۳۹۰) «تحولات جهانی عرب: صورت بندی گذشته و هویت در خارجی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، ش. دوم، صص ۷۷-۸۷.

Structuration, Cambridge Polity Publisher.
